



A Comparative Study of the Role of the Public Prosecutor in Realization of Public Rights in Islam, Iranian and Iraqi Laws

Masoud Heidari

Associate Professor of Crime and Criminology Group, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, Email: masoud_heidari2@yahoo.com

Abstract

Given that one of the duties stipulated for the judiciary according to Article 156 of the Constitution is to take appropriate action to prevent crime and reform criminals. Therefore, the fruit of the correct realization of the above principle will be to ensure public security and restore public rights and expand justice. Public rights are among the rights that the government is obliged to guarantee in a society and today they have become very widespread. Public rights in our law cover many areas, including criminal, civil, inheritance matters, commercial, etc, and in addition include many cases, including the right to life, the right to security, the right to health, the right to education, etc. However, the prosecutor in our laws, as the public prosecutor, has a very heavy and extensive duty to protect and defend these rights. Some of these duties and responsibilities are explicitly stated in the text of the law, and some of them can be implicitly and inferred from the content of the legislator's words. In addition, in some other cases, the prosecutor can protect the rights of citizens by performing a supervisory role. In this research, the nature and content of public rights and its position in the laws of Iran, Iraq, and Islam are examined using a descriptive-analytical method and a library collection method that is expanded and expanded by considering various sources, including research and review. While studying the various duties of the prosecutor, we arrive at the issue that defending public rights is one of the main and key duties of the prosecutor and how the prosecutor should protect and safeguard these rights.

Keywords: Public Rights, Islam, Public Prosecutor, Criminal Law, Iraqi Law.

Received: 2024/08/27 ; Revised: 2024/11/13 ; Accepted: 2024/12/18 ; Published online: 2025/06/22

How To Cite: Heidari, Masoud (2025). A Comparative Study of the Role of the Public Prosecutor in Realization of Public Rights in Islam, Iranian and Iraqi Laws, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 77-98. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.11159.2575>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



مطالعه تطبیقی نقش مدعی العموم در ایفای حقوق عامه در اسلام، حقوق ایران و عراق

مسعود حیدری

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، رایانامه:
masoud_heidari2@yahoo.com

چکیده

با توجه به اینکه یکی از وظایفی که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی برای قوه قضاییه تعریف شده؛ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است. بنابراین ثمره تحقق صحیح اصل فوق، تأمین امنیت عمومی و احیای حقوق عامه و گسترش عدل خواهد بود. حقوق عامه از جمله حقوقی است که در یک جامعه، حاکمیت موظف به تضمین آن‌هاست و امروزه گستره بسیاری یافته است. حقوق عامه در حقوق ما حوزه‌های بسیاری را در بر گرفته از جمله در امور کیفری، مدنی، حسبی، تجارت و...، به‌علاوه شامل موارد متعددی از جمله حق حیات، حق امنیت، حق سلامت، حق بر آموزش و... است. اما دادستان در قوانین ما به‌عنوان مدعی العموم، وظیفه بسیار سنگین و گسترده‌ای در صیانت و دفاع از این حقوق دارد. برخی از این تکالیف و وظایف به صورت صریح و امری در متن قانون بیان گردیده و برخی دیگر از آن‌ها را می‌توان به صورت ضمنی و از فحوی کلام مقنن برداشت نمود. افزون بر این، در برخی دیگر از موارد دادستان با ایفای وظیفه نظارتی می‌تواند از حقوق شهروندان حفاظت نماید. در این تحقیق به بررسی ماهیت و محتوای حقوق عامه و جایگاه آن در حقوق ایران و عراق و اسلام به روش توصیفی تحلیلی و روش جمع‌آوری مطالب کتابخانه‌ای است که با مد نظر قرار دادن منابع مختلف اعم از پژوهشی و مروری به بسط و گسترش آن پرداخته و ضمن مطالعه وظایف مختلف دادستان به این موضوع می‌رسیم که دفاع از حقوق عامه یکی از وظایف اصلی و کلیدی دادستان است و اینکه دادستان چگونه باید از این حقوق صیانت و حراست نماید.

کلیدواژه‌ها: حقوق عامه، اسلام، مدعی العموم، حقوق کیفری، حقوق عراق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاد به این مقاله: حیدری، مسعود (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی نقش مدعی العموم در ایفای حقوق عامه در اسلام، حقوق ایران و عراق،

پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۲)، ۷۷-۹۸. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.11159.2575>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

در جهان امروزی رعایت حریم حقوق عامه در عرصه‌های مختلف به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یکی از ضروریات زندگی مردم آن جامعه محسوب می‌شود. مباحث مرتبط با تضمینات قضایی منفعت عمومی در نظام حقوقی ما غنای چندانی ندارد، اما در نظام حقوقی سایر کشورها تا حد زیادی شرح و بسط یافته است (کبگانی، ۱۴۰۲: ۱۰). حکومت‌ها در سده‌های اخیر با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه در جهت ضمانت اجرایی حقوق شهروندی سیاست خاصی را در جهت تنظیم این مقررات در روابط بین مردم جامعه در پیش گرفته‌اند (احمدپور، ۱۴۰۱: ۲). اگرچه در ایران دادستان وظیفه تعقیب متهم را بر عهده دارد، ولی به‌طور هم‌زمان وظیفه حفظ حقوق وی را نیز بر عهده دارد؛ بنابراین دادستان هم‌زمان که متهم را در جهت حفظ امنیت جامعه تعقیب می‌کند موظف به حفظ حقوق فردی نیز است. در این مورد منظور از حقوق فردی حقوقی است که برای تک‌تک افراد جامعه منظور شده است، فارغ از جمع بودن آن‌ها. به‌عنوان مثال وقتی قانون‌گذار ما قانونی را به نام قانون حفظ حقوق شهروندی تصویب می‌کند، هدفش این است که حقوق تک‌تک افراد جامعه را مورد حمایت قرار دهد که از جمله آن‌ها متهمان و حتی محکومان است (احمدپور، ۱۴۰۱: ۵).

دادسراها و دادستان‌ها پشتیبان حقوق تک‌تک افراد جامعه از جمله متهم هستند. حقوق قضایی از جمله ممنوعیت تفتیش عقاید ممنوعیت دستگیری و مجازات، غیرقانونی، ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل افراد است که قوه قضائیه مسئول پشتیبانی از آن است. اگرچه دادسرا با ریاست دادستان مسئول حفظ حقوق عمومی است، اما به نظر می‌رسد لفظ عام در این مورد عام استغراقی است نه عام مجموعی؛ به عبارت دیگر، حقوق عامه جامع بین حقوق عمومی و حقوق فردی است و کلیه حقوق فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد (موسی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۲).

۱. ماهیت نهاد حقوقی حقوق عامه

با توجه به اینکه نظام‌های حقوقی و نهادهای زیرمجموعه این نظام‌ها از جنس موجودات اعتباری هستند، لذا ماهیت نهادهای حقوقی مثل حقوق عامه و حقوق عمومی بر اساس وجود اعتباری‌شان قابل تعریف و دریافت است، موجود اعتباری حقوق عامه که متشکل از یک سری مؤلفه‌ها و عناصر ذاتی است، مجموعاً ماهیت حقوق عامه را تشکیل می‌دهند. لذا ماهیت حقوق عامه متشکل از مجموعه‌ای از عناصر حقوق عامه است و هر کدام از عناصر حقوق عامه به تنهایی ماهیت کلی این نهاد حقوقی محسوب نمی‌شود. بر این اساس و با توجه به تعاریف مختلف و متفاوت نویسندگان از حقوق عامه مثلاً اینکه برخی حقوق عامه را با حقوق عمومی دارای قرابت معنایی می‌دانند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۱). به نظر می‌رسد اصلی‌ترین عامل تشبث نظر میان نظریه‌پردازان در باب، مفهوم قلمرو و ماهیت حقوق عامه،

عدم تبیین وجود اعتباری حقوق عامه و در مرحله بعد عدم انتزاع ماهیت حقوق عامه از وجود اعتباری آن باشد. به عبارت دیگر حقوق عامه را بر اساس نظر اصالت ماهیت تعریف کرده‌اند، بدون اینکه وجود اعتباری این موجود حقوقی را مدنظر داشته باشد.

اگر بخواهیم به واکاوی حقوق عامه و ماهیت آن پردازیم باید ابتدا موجود اعتباری را که نشان‌دهنده نوع واقعی روابط افراد و طبقات هستند، شناسایی کنیم باید جوهر این موجودات اعتباری مورد شناسایی قرار گیرد تا بر اساس آن بتوانیم عوارض و ذاتیات ماهیت حقوق عامه را تبیین کنیم. از خصوصیات جوهر این است که وجودش منوط به امر دیگری نیست و قائم به خود است. به عبارت بهتر می‌توان گفت که ماهیتی است که اگر در خارج موجود شود وجودش در موضوعی که بی‌نیاز از آن است منوط نیست و چنین ماهیتی جوهر خوانده می‌شود. این ماهیات و موجودات مستقل هستند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۱).

۲. مبانی حقوقی احیای حقوق عامه

مفاهیمی همچون حاکمیت قانون نظم عمومی، امر عمومی، منفعت عمومی، خدمت عمومی و حقوق بشر را می‌توان به‌عنوان مبانی حقوقی و دلایل توجیهی جهت مبادرت به تکلیف احیا حقوق عامه برشمرد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۹۶). حاکمیت قانون، نظم عمومی، نفع عمومی، امر عمومی و خدمت عمومی از اصل بنیادین حقوق عمومی به شمار می‌آیند.

۲-۱. حاکمیت قانون

اصل قانونی بودن یکی از اصول حاکمیت قانون است و اصول دیگری همچون استقلال قضایی، عادلانه، برابری در مقابل قانون و تحدید قدرت را نیز باید به دایره مصادیق آن افزود (ملکوتی، ۱۴۰۱: ۲۶). محدودیت قدرت عمومی و مهار زدن به اراده‌های خودسرانه مأموران و مقامات دولتی از ویژگی‌های بارز حکومت قانون است. حاکمیت قانون نظریه‌ای مبتنی بر ارزش‌هایی همچون آزادی، حقوق بشر و برابری، با تأکید بر اصل ثبات، مبنایی برای احترام به خواسته‌ها و توقعات مشروع شهروندان به شمار می‌آید. در سایه حکومت قانون، باید شهروندان از امنیت حقوقی برخوردار بوده و بتوانند با درجه‌ای از اعتماد و اطمینان عمومی به حاکمیت، آثار و نتایج اعمال خویش و تا حدودی مقامات دولتی را پیش‌بینی نمایند و زمینه تحقق اهداف خود را فراهم کنند (زارعی، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

۲-۲. نظم عمومی

آرامش، امنیت و سلامت عمومی سه عنصر مادی نظم عمومی است. در نظام‌های حقوقی مختلف ضمن احترام به حقوق فردی، آزادی در اعمال حقوق فردی اشخاص تا جایی امکان دارد که با نظم عمومی مقابله نکند (افشاری، ۱۴۰۰: ۲۵). هرگاه هر عملی در تقابل با نظم عمومی قرار گیرد، لاجرم حقوق

عمومی جهت حفظ انضباط حقوقی، اصل را بر رعایت و برقراری نظم عمومی می‌گذارد. از این رو، در اکثر اصول قانون اساسی و مواد قانونی، قید عدم تقابل با نظم عمومی مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است و این خط قرمز هر حاکمیتی است (میر حسینی، ۱۴۰۲: ۲۱).

۳-۳. امر عمومی

مجموعه‌ای از اموال و امور و نهادها وجود دارند که امور مربوط به مردم تلقی می‌شوند. بنابراین نوعی از مالکیت مشترک متعلق به همه وجود دارد و به همین ترتیب قدرت همه، قدرتی انتزاعی و عام است، هیچ شخصی به تنهایی مالک آن نیست و نمی‌تواند شخصاً یا منحصراً آن را اعمال کند (سرداری، ۱۳۹۹: ۲۳). امر عمومی متعلق به همه به‌طور عام است و در عین حال متعلق به هیچ‌کس به‌طور خاص نیست، هر کس در آن مشارکت می‌جوید، اما هیچ‌کس به تنهایی دارنده آن نیست. در واقع حقوق عمومی در پی شناسایی و احقاق مجموعه حق‌هایی است که با امر عمومی و منافع و مصالح عمومی در ارتباط باشد (رحیمی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۷).

۴-۴. منفعت عمومی

منفعت عمومی عبارت است از هر نوع اقدامی که موجب ایجاد منفعت و سود برای عموم شود. در مجموع می‌توان نفع عمومی را هر آن چیزی دانست که برای عموم افراد جامعه دارای ارزش و سودمند تلقی می‌شود و همگان امکان بالقوه استفاده از آن را خواهند داشت. در واقع نفع عام حاصل جمع منافع خصوصی نیست، بلکه برآیند منافی است که انسان‌ها به موجب یک قرارداد مبتنی بر اراده آزاد یعنی یک قرارداد اجتماعی تصمیم به مشترک کردن آن می‌گیرند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴).

۲-۵. خدمت عمومی

از دیگر مفاهیم نزدیک به نفع عمومی که در حقوق عمومی بسیار حائز اهمیت است می‌تواند یکی از مبانی توجه به حقوق عامه قرار بگیرد، مفهوم خدمات عمومی است. در تعریف آن می‌توان گفت که عبارت است از هر فعالیت عام‌المنفعه‌ای که در راستای تأمین نیازهای عمومی و همگانی توسط سازمان‌های اداری و به موجب قواعد حقوق عمومی انجام بگیرد. در مفهوم خدمات عمومی تنها آن دسته از منافع عمومی مورد توجه گیرد که توسط بخش دولتی به انجام می‌رسد و تحت ضوابط خاص حقوق است و نه همه اموری که حاوی نفعی برای جامعه است. پس منفعت عمومی معنایی عام‌تر از خدمات عمومی را در بردارد (میر حسینی، ۱۴۰۲: ۲۵).

۶-۲. حقوق بشر

امروزه ما شاهد چهار نسل از حقوق بشر هستیم (Banda, Maria, 2023: 5). حقوق نسل نخست شامل

آزادی‌های فردی بود؛ مانند آزادی عقیده، آزادی رفت‌وآمد و...، مانند آزادی اجتماعات، آزادی تشکل و... . حقوق نسل دوم به حقوق فردی و جمعی حقوق مطالبه از دولت یعنی حقوقی که به شخص حق درخواست بهره‌گیری از آن‌ها از دولت را می‌بخشد، اضافه نمود. این حقوق که حقوق، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نامیده می‌شوند، عبارت‌اند از: حق برخورداری از آموزش و پرورش، سلامت، کار، تأمین اجتماعی، حمایت اجتماعی و... حقوق نسل سوم عبارت‌اند از: حق تعیین سرنوشت، حق صلح، حق توسعه، حق برخورداری از کمک‌های بشردوستانه و حق ارتباطات. گاهی از نسل چهارم حقوق بشر نیز سخن به میان می‌آید که شامل مسائلی همچون حمایت در برابر خطرات ناشی از رایانه و غیره می‌گردد (Yoshida, Keina, and Joana Setzer, 2023: 140). بنابراین ریشه‌های اصلی مصادیق حقوق عامه را آن‌ها نه در یک لحظه بلکه در گذر زمان و بعد از انقلاب‌ها و تحولات و مبارزات بسیاری به دست آمده است (ملکوتی، ۱۴۰۱: ۲۲).

۳. نهاد حقوق عامه در اسلام

در نظام حقوقی ایران با توجه به حاکمیت مؤلفه‌های دینی و تصریح آن در اصول قانون اساسی از جمله اصل ۴ و ۱۵۶ قانون اساسی و پیش‌بینی نهاد دینی برای نظارت، بر این امر به نام شورای نگهبان به نظر می‌رسد که تأسیس و تعلق حقوق ناشی از ظهور ابعاد مختلف تعاملات انسانی عصر حاضر در گرو سنجش آن‌ها و عدم تعارض با منویات و غایات شرعی و دینی است. بر این اساس می‌توان گفت که رابطه مؤلفه‌های دینی و شرعی و حقوق جدید انسان معاصر یک رابطه طولی است که طی این رابطه شرط تعلق این حقوق به افراد، سنجش آن‌ها در ترازوی شرع و دین و مطابقت یا عدم مغایرت آن‌ها با مؤلفه‌های نهاد دین است. حقوق عامه هم به‌عنوان یکی از نهادهای حقوقی نظام حقوقی ایران متأثر از این تأثیرپذیری نظام حقوقی از منویات دینی است. بر اساس این توضیحات شناخت قرائت‌های مختلف دین اسلام نسبت به احکام و حقوق انسان‌ها، در راستای شناسایی مصادیق حقوق عامه در تعاملات مدرن افراد و با توجه به نقش احکام دینی در شکل‌گیری، حقوق، امری اجتناب‌ناپذیر و حتمی است.

۳-۱. مبنای اسلام سنتی حقوق عامه

مراد از اسلام سنتی که گاهی از آن به اسلام تاریخی هم تعبیر می‌شود، غلبه فرهنگ و مقتضیات زمانی و مکانی و شرایط خاص عصر نزول به‌عنوان مناسبات و قالب‌های قدسی، تغییرناپذیر، آرمانی و مطلوب بر اندیشه اسلامی است. در این قرائت بهترین زمان‌ها، زمان پیامبر بوده است و مسلمانان موظف هستند جامعه خود را منطبق با الگوی عصر نزول بنمایند و در ناسازگاری پدیده‌های مدرن با الگوی عصر پیامبر، اشکال از پدیده‌های مدرن است، یا باید آن‌ها را حذف کرد و یا در آن الگوی مقدس گنجانند (قاسمی و

همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۱). از دیگر ویژگی‌های قرائت تاریخی اسلام پایبندی به شریعت و فقه است. مواردی از جمله نابرابری حقوقی مسلمانان و غیرمسلمانان در مواردی مثل قصاص، دیه، ازدواج، شهادت نابرابری حقوقی زنان با مردان در موارد اندکی مثل نفقه، قضاوت، زمامداری سیاسی و عدم تساوی حقوقی عوام با فقها در حوزه عمومی در قرائت تاریخی از اسلامی قابل دریافت است.

برای فهم و درک ماهیت نهاد حقوقی حقوق عامه بر اساس قرائت اسلام سنتی، می‌بایست این نهاد حقوقی را بر اساس مؤلفه‌های قرائت اخیر اسلام مورد ارزیابی قرار دهیم. اولین خصوصیت اسلام سنتی، مبنا قرار دادن شریعت و فقه است. بر این اساس حقوق عامه مورد نظر اسلام سنتی و مصادیق آن ریشه در شریعت و فقه دارند، لذا برای واکاوی ماهیت و مصادیق آن باید در متون نظرات و افعال گذشتگان مثل سنت و احادیث و نظرات مجتهدان نظر کنیم. لذا در قرائت اسلام ماهیت حقوقی عامه و مصادیق آن امری ثابت و تقریباً غیر قابل تغییر می‌باشد؛ به دلیل اینکه آنچه در گذشته مورد شناسایی قرار گرفته مورد اتفاق همه است و آنچه می‌بایست الان به‌عنوان مصادیق حقوق عامه مدنظر قرار گیرد به لحاظ فقدان سابقه تاریخی غیر قابل قبول است. همان‌طور که مشاهده شد در اسلام سنتی مواردی از جمله مسلمان بودن یا نبودن، زن یا مرد بودن، فقیه یا عامی بودن کافر بودن یا مرتد بودن در اولویت بودند. از این دریچه هم به نظر می‌رسد که ماهیت حقوق عامه اسلام سنت بنیاد، ماهیتی محدود و مضیق باشد. قرائت خیلی از مصادیق حقوق عامه قابل شناسایی نیست. جمع‌بندی نهایی این بحث بدین صورت است ماهیت حقوق عامه بر اساس مؤلفه‌های قرائت اسلام سنتی، ماهیتی محدود دارد و بالطبع مصادیق حقوق عامه هم به شرط مطابقت و وجود سابقه در گذشته قابل شناسایی می‌باشد و اینکه به سختی می‌توان بر اساس مؤلفه‌های سنتی، اسلام مصادیق مدرن حقوق عامه را در همه زمینه‌ها اعم از (سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و...)، چه در حوزه حقوق فردی و چه در حوزه حقوق جمعی مورد شناسایی قرار داد.

۳-۲. مبنای اسلام معنوی حقوق عامه

اسلام معنوی برخلاف اسلام تاریخی غایت مدار است که با در نوردیدن شرایط زمانی مکانی عصر تکوین دین، دین‌داری را در معرفت و تحقق روح دین و اهداف اسلام می‌داند. در اسلام معنوی، ایمان اخلاق و اعتقاد به نسبت فقه و شریعت در اولویت قرار می‌گیرند. به لحاظ تاریخی ظهور مدرنیته که در جامعه ما با نهضت مشروطه آغاز شد، نقطه عطف آغاز مشکلاتی برای دین‌داری دین‌داران شد. چراکه برخی گزاره‌های دینی با دستاوردهای تمدن جدید سازگاری نداشت و هرچه از مشروطه دور و به زمان حاضر نزدیک می‌شویم، بر حجم این ناسازگاری‌ها افزوده شد و قاعدتاً در آینده هم بر حجم این ناسازگاری‌ها افزوده خواهد شد. این ناسازگاری‌ها بیشتر مربوط به ابعاد شریعت و فقه دین اسلام است تا ابعادی مانند ایمان و اعتقاد و اخلاق.

از ویژگی‌های دیگر قرائت اسلام معنوی توجه به هدف و غایت اسلام است که همان گسترش عدالت

و کرامت انسانی است. نمایندگان مردم به‌عنوان متولیان وضع احکام و قوانین بر اساس خواسته‌های آن‌ها صلاحیتی به مراتب وسیع‌تر در شناسایی مصادیق حقوق عامه دارند؛ چراکه نمایندگان به واقع نماینده خواسته‌های مردم هستند. بر اساس ویژگی تفکیک احکام شرعی هم باید گفت خیلی از مصادیق مورد نیاز به حقوق عامه اعم از فردی و اجتماعی در همه ابعاد با توجه به فقدان نص و سابقه در شریعت و فقه اسلامی و اینکه از طرف خداوند و پیامبر حکمی صادر نشده است، در حوزه احکام متغیر قرار می‌گیرند. استخراج بر اساس مقتضیات نیازهای جامعه توسط نمایندگان مردم در چارچوب کلی احکام ثابت شرع به عهده نمایندگان مردم و در شرايطی حاکم اسلامی می‌باشد. بر همین اساس این مصادیق به اقتضای ویژگی متغیر بودنشان قابل نسخ، اصلاح و تغییر هستند. البته از دیگر ویژگی‌های ماهوی حقوق عامه بر اساس ویژگی متغیر بودن، توسعه پویا و مستمر حوزه قلمرو و این نهاد حقوقی است. بالطبع و به اقتضای این استمرار و پویایی، مصادیق به‌روز شده‌ای در زیر چتر حقوق عامه قرار می‌گیرند. لذا در این قرائت و رویکرد برای تبیین ماهیت حقوق عامه و مصادیق آن عناصر، ایمان، اخلاق و اعتقاد به نسبت شریعت و فقه بیشتر مد نظر قرار می‌گیرند؛ لذا می‌تواند گفت که استخراج حقوق عامه و مصادیق آن از لابه‌لای قرائت اسلام معنوی بر اساس مقتضیات مدرن بشر راهی کم‌اشکال‌تر و سالم‌تر و مطمئن‌تر برای دفاع از نقش دین در حقوق عامه و مصادیق آن در عصر جدید می‌باشد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۱).

۴. نقش دادستان در حفظ حقوق عامه

آنچه به‌عنوان حقوق عامه در معنای اعم گفته شد وقتی می‌تواند موضوع ورود قوه قضاییه واقع شود که به نوعی و از طرف شخص یا فردی مورد هجمه قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر تأمین و حفظ آن‌ها داخل در وظایف دو قوه دیگر یعنی مقننه و مجریه است. قوه مقننه آنجا که این حقوق وجود ندارد یا تبیین نشده‌اند، باید به قانون‌گذاری بپردازد و قوه مجریه مسئول حفظ و اجرای آن‌ها در شرایط عادی است. اگر بند ۲ اصل ۱۵۶ را مطلق و وسیع فرض کنیم آنگاه قوه قضاییه در اموری وارد شود که ذاتاً با اختیارات و تبع کار او سازگار نیست مثل مسائل مربوط به مسکن و شغل آزادی احزاب و انجمن‌ها آموزش رایگان و سایر مواردی که در بند یک گفته شد. دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۰۶/۱۱/۱۳۹۷ در تحلیل نهایی چیزی جز بازگو کردن وظایف برخی مقامات و ارگان‌های قضایی نیست و البته این تکرار و تأکید هیچ مانعی ندارد، زیرا که تذکر و یادآوری به‌ویژه آنجا که شبهه و احتمال بی‌توجهی و کم‌توجهی وجود داشته باشد، مستحسن است. اما در بعضی موارد ممکن است اجرای دستورالعمل به نوعی باعث تداخل اختیارات و وظایف قوه قضاییه و مجریه بشود و در نتیجه نه فقط حسن اثر نداشته باشد بلکه مشکل‌ساز گردد.

حقوق عامه را در معنی اعم آن شاید بتوان به کلیه حقوقی که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان

حقوق ملت، آمده تعریف کرد مصادیق عادی حقوق عامه شامل تساوی حقوق همگانی برابری حقوق زن و مرد در برابر، قانون مصونیت جان و مال حیثیت و مسکن و شغل افراد از تعرض مصونیت از تفتیش عقاید، آزادی بیان و مطبوعات آزادی احزاب و انجمن‌ها، آزادی شغل و شرایط مساوی کار، برخورداری از آموزش رایگان حق داشتن مسکن حق، تابعیت، حق مالکیت مشروع دسترنج و مایملک خود است.

حقوق عامه شامل حقوقی است که در قانون اساسی قوانین موضوعه یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و اجرا نشدن یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضییع یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری طبق ماده ۲ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، دادستان هر حوزه قضایی مکلف است در صورت عدم اجرا یا نقض حقوق عامه یا قریب‌الوقوع بودن آن به تعقیب کیفری متهمان ناقض حقوق عامه در چارچوب جرم و مجازات مذکور در قانون بپردازد یا در صورت تعلل دستگاه مربوطه یا اشخاص حقوقی و حقیقی ذی‌ربط تذکر دهد یا تدابیر پیشگیرانه را انتخاب کند یا در چارچوب ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری دستور توقف اقدامات صادر کند. بر اساس ماده سه این دستورالعمل چنانچه دستگاه اجرایی، ظرف مدت متعارف، اقدام لازم را انجام ندهد، دادستان مکلف است در مواردی که در نتیجه ارتکاب جرم خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی یا تضییع آن وارد شده باشد، به تبع امر کیفری بدون پرداخت هزینه دادرسی جبران آن را از دادگاه درخواست کند. ماده ۴ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، نیز اعلام می‌دارد: در جرائم راجع به اموال، منافع، مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی موضوع ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که نیاز به طرح دعوی دارد در صورت تعلل مسئول ذی‌ربط در اقامه دعوی، دادستان کل کشور به دستگاه ذی‌ربط جهت انجام وظیفه قانونی تذکر یا اخطار می‌دهد و در صورت عدم اقدام مراتب را حسب مورد برای تعقیب کیفری یا اداری مسئول مربوط و مطالبه خسارت به مراجع ذی‌ربط اعلام و اقدام قانونی به عمل می‌آورد. در هر صورت دادستان کل نسبت به تعقیب کیفری مرتکب و جبران خسارت از طریق مراجع ذی‌صلاح پیگیری و نظارت می‌کند.

بر اساس ماده ۵ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، در صورت اطلاع دادستان شهرستان یا مرکز استان از وضعیت‌های خطرناک از قبیل نگاهداری و توزیع کالای فاسد یا تاریخ گذشته، بی‌توجهی به بهداشت و سلامت عمومی، آسیب‌های وارده به محیط‌زیست، گودبرداری‌های فاقد ایمنی در معابر و جاده‌ها و بناهای فرسوده، عدم رعایت مقررات ایمنی در امور حمل و نقل و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی موظف است به دستگاه‌ها یا اشخاص مسئول جهت انجام وظایف قانونی آن‌ها برای رفع خطر، در صورت اقتضا تذکر و اخطار دهد یا اقدام لازم قانونی را انجام دهد. تبصره اول این ماده تصریح دارد که

دادستان‌ها موظفند پس از اقدام ضمن اطلاع به رئیس کل دادگستری استان مراتب را به دادستان مرکز استان اعلام و دادستان مرکز استان در موارد مهم موضوع را به دادستان کل کشور منعکس کنند. همچنین با وقوع جرم، ارکان و نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری امکانات خود را جهت مقابله با جرم بسیج می‌کنند. دادسرا و دادستان به‌عنوان اولین نهاد قضایی در مواجهه با جرم، نقش بسزایی در تشکیل و تکوین و به ثمر نشستن دعوی کیفری را برعهده دارد. اهمیت این نهاد در فرآیند کیفری به اندازه‌ای است که می‌توان گفت که توفیق یا عدم توفیق سیاست کیفری تا حد زیادی مرسوم عملکرد نهاد دادسرا و دادستان است. بدون شک، بین توفیق دادستان در انجام وظایف محوله و ساختار و سازمان آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس باید جایگاه دادستان در فرآیند کیفری کاملاً روشن گردد و ارتباط دادستان نیز با قوای سه‌گانه مشخص شود (کوشکی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۵. گستره مصادیق حقوق عامه در حقوق موضوعه ایران

از جمله اصولی که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود، عبارت‌اند از: ۱. رعایت کرامت انسانی؛^۱ ۲. برخورداری از حقوق مساوی؛^۲ ۳. آزادی بیان، اندیشه و عقیده؛^۳ ۴. رعایت امنیت فردی؛^۴ ۵. آموزش و پرورش رایگان؛^۵ ۶. آزادی انتخاب شغل؛^۶ ۷. حقوق اقتصادی ملت؛^۷ ۸. حقوق ملت در اجرای عدالت قضایی؛^۸ ۹. حرمت مالکیت آحاد مردم.^۹ فلذا در یک جمع‌بندی در حقوق ایران می‌توان گفت: حقوق

۱. بند ۶ اصل ۲۱ قانون اساسی که تأکید بر رعایت حرمت و کرامت انسانی دارد و جمهوری اسلامی ایران را نظامی بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا معرفی می‌کند.
۲. بند ۱۴ اصل ۳۱ قانون اساسی که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است به تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
۳. بند ۷ اصل ۳۱ قانون اساسی که تکلیف دولت به تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۴. اصل ۲۲ قانون اساسی که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
۵. بند ۳ اصل ۳۱ قانون اساسی که مکلف نمودن دولت به فراهم نمودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۶. اصل ۲۸ قانون اساسی که هر کس حق دارد شغلی که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.
۷. بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی که وظیفه دولت در تأمین نیازهای اساسی مسکن، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
۸. اصل ۳۴ قانون اساسی که دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.
۹. اصل ۴۰ قانون اساسی که هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا به منافع عمومی قرار دهد.

عامه اصطلاحی است که در فقه امامیه، حقوق اساسی، اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری، بدون آنکه تعریفی روشن از آن صورت گیرد، به کار رفته و در کنار آن، دو اصطلاح حقوق شهروندی و حقوق عمومی نیز در قوانین داخلی به کار رفته است. این نوشتار، بر آن است تا بررسی کند که حقوق عامه از جنس حقوق شهروندی است یا از جنس حقوق عمومی؟ و در پیگیری قضایی در جهت صیانت از حقوق عامه، در ساحت کدام یک گام بردارد.

۱. **حقوق عامه:** قانون اساسی در فصل سوم، حقوق ملت (اصول ۱۹ تا ۴۲)، در مقام تبیین «حقوق عامه» برآمده است. حقوقی که ملت نسبت به حاکمیت دارد، از قبیل آموزش و پرورش رایگان، خدمات بهداشتی و درمانی، مسکن متناسب، دادخواهی، حق برخورداری از دادگاه صالح، داشتن وکیل، منع شکنجه، دادرسی عادلانه، تابعیت، برخورداری از تأمین اجتماعی، داشتن شغل، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و...، آزادی نشریات و مطبوعات، ممنوعیت تفتیش عقاید، حقوق زن، حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق مساوی و... در کنار این اصول، اصل ۴۳ نیز در بندهای ۹ گانه، اصل ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۹ و... جمعاً بر نزدیک به ۷۰ مورد از مصادیق حقوق ملت بر دولت و حاکمیت اشاره شده است. همچنین طبق بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه مسئول احیای حقوق عامه است.

۲. **حقوق شهروندی:** حقوق شهروندی^۱ مفهومی است که بر ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق تمام افراد بشر دلالت دارد (Bonnitcha, Jonathan, 2017: 890). این حقوق، ذاتی و فطری، غیرقابل انتقال، تقسیم‌ناپذیر و جهانی‌اند. حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی زیرمجموعه علوم سیاسی^۲ قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر بر حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است. مصادیق حقوق شهروندی، شامل گستره وسیعی بوده و تحقق آن‌ها مستلزم پیش شرط‌هایی است. از سوی دیگر، حقوق شهروندی، اعطایی از سوی حاکمیت به مردم نیست؛ بلکه در نزد شهروندان واقعی و ثابت و محفوظ است. به بیان دیگر، حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمی‌کند؛ بلکه باید آن را رعایت کند، از آن حمایت نکند و در صورتی که آن را نقض کند، در پی جبران آن برآید. منشور حقوق شهروندی (سال ۱۳۹۵) در ۱۲۰ ماده مشتمل بر حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل، تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و

1. citizenship rights

2. political science

کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار و حق صلح، امنیت و اقتدار ملی است (Bouwer, Kim, 2019: 23)

۳. حقوق عمومی: حقوق عمومی، مجموعه قواعد حاکم بر روابط دولت و کارگزاران آن با مردم و برعکس است. هدف حقوق عمومی تأمین مصالح عموم جامعه است (Committee, 2022: 13) ماهیت قواعد حقوق عمومی، به جهت گره خوردن با مصالح جامعه و نظم عمومی، «آمره» است؛ یعنی حتی با توافق و اراده اشخاص نیز نمی‌توان عملی را برخلاف آن‌ها انجام داد و تخطی از آن‌ها و نیز تغییر آن‌ها امکان‌پذیر نیست. ضمانت اجرای نقض قواعد عمومی و تخلف از آن‌ها به‌وسیله اشخاص با واکنشی همراه است که نوعی الزام از طریق فشار اجتماعی را به همراه دارد. در واقع اگر دولت به‌عنوان حاکمیت، با شخص یا اشخاصی که فرمان‌بردار قدرت و تحت سلطه آن هستند، رفتار کند، در اینجا حقوق عمومی حاکم است. مطابق مواد ۸ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، جرم واجد دو حیثیت عمومی (از نظر تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی) و حیثیت خصوصی (از نظر تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین) است و بر این مبنای ارتکاب جرم موجب طرح دو دعوی عمومی (برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی) و دعوی خصوصی (برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است؛ مانند حد قذف و قصاص) می‌شود. ماده ۲۲ نیز حفظ حقوق عمومی را بر عهده دادستان گذاشته است؛ اما در ماده ۲۰ تصریح دارد که سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست.

۶. حقوق عامه در حقوق عراق

همان‌طور که قانون‌گذار عراقی در شرح وظایف داستان در راستای حقوق عامه، در قانون اساسی مؤثر سال (۲۰۰۵) با اختصاص فضای وسیع به متونی که حقوق و آزادی‌های افراد را تأیید می‌کند، از آن محافظت می‌کند (ابراهیم مصطفی، ۲۰۲۲: ۴۵) و همچنین رویه‌های قانونی که تضمین و سازماندهی و تصمیم‌گیری در مورد ضمانت‌های مختلف قضایی، سیاسی، قانونی و اداری است، به‌گونه‌ای که دولت در تلاش است تا از تمام توانایی‌های مادی و انسانی استفاده کند تا اطمینان حاصل شود که همه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و فرد عراقی را با این تعداد به رسمیت بشناسد (عبدالوفا، ۲۰۰۲: ۱۸). حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی در خدمت هدف تکریم انسان از طریق به رسمیت شناختن انسانیت او و اجازه دادن به او برای ایفای نقش کامل خود در جامعه و دولت است که به منزله حمایت قانونی، قضایی یا سیاسی برای مردم است.

۷. گستره مصادیق حقوق عامه در حقوق عراق

حقوق عمومی در حقوق عراق چندگانه است، از جمله حقوق شخصی، دینی، اقتصادی و... در شرط

اول به حقوق شخصی، در شرط دوم حقوق اقتصادی، در شرط سوم حقوق اجتماعی و در شرط چهارم حقوق سیاسی، شرط پنجم به حقوق دینی و شرط ششم به حقوق قضایی اختصاص دارد به شرح زیر:

۱-۷. حقوق شخصی

قانون اساسی عراق، حقوق شخصی را به‌عنوان حقوق خود تعریف نکرده است، اما این بدان معنا نیست که این حقوق در رابطه با قوانین عراق مورد توجه قرار نگیرد و یا نادیده گرفته شود، می‌توان گفت که آن‌ها حمایت از حقوق شخصی را مطابق با قانون شرط کرده‌اند. مقتضیات آن عصر و این جمله مخصوص حق مردم بر امنیت جسمی و روحی است و حمایت به‌عنوان مجازات یا جبران صدمات وارده بیان شده است، درحالی‌که در قانون، قانون مدنی عراق ۱۹۵۱، در شرح وظایف داستان در راستای حقوق عامه، حق واقعی را مستقیم تعریف کرده است (محمدظاهر، ۱۹۷۲: ۱۸). اختیار بر امر معینی که قانون به شخص معینی می‌دهد حق شخصی نیز به پیوند حقوقی بین دو نفر بستانکار و بدهکار گفته می‌شود که بر این اساس مطالبه می‌کند. طلبکار بدهکار ممکن است حق مال را انتقال دهد یا عملی را انجام دهد یا از عملی خودداری کند، این دو حق حقوق اقتصادی هستند، در حالی که حقوق خانواده حقوقی غیراقتصادی است که به‌عنوان حقوق ناشی از روابط خانوادگی که از طریق ازدواج به ارث می‌رسد، تعریف می‌شود، مانند حقوق ازدواج. یا حقوق ناشی از روابط خویشاوندی «مانند حقوق ارث پدر بر فرزندان برتر است».

۲-۷. حقوق اقتصادی

هدف اصلی از تصویب حقوق اقتصادی و اجتماعی، در شرح وظایف داستان در راستای حقوق عامه، ایجاد عدالت اجتماعی و بیمه در برابر بیماری، فقر، از کارافتادگی، بیکاری و فرصت‌های شغلی است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را بر آن داشته است تا این حقوق را تضمین و حمایت کنند و آن را در قانون اساسی وضع کنند. در قانون اساسی آن‌ها، اگرچه حقوق اول برای قانون اساسی و محتوای آن تضمین شده است، به‌عنوان به رسمیت شناختن افراد دارای حقوق اقتصادی و اجتماعی که آن‌ها را از سلطه مادی هر حزبی رها می‌کند، باید توجه داشت که منافع قانونی و علمی در آن به تأخیر افتاده است. تعارض با حقوق سیاسی و مدنی، به مردم اجازه می‌دهد تا زندگی شایسته‌ای داشته باشند و کارکرد خود را در جامعه بهتر ایفا کنند، زیرا مسلم است که مدیریت سیاسی فرد آزادتر است ترس از بیکاری، جهل و بیماری، همان‌طور که کسب حقوق اقتصادی و اجتماعی فرد، همان حقوق واقعی و برابری را برای او به ارمغان می‌آورد، نه برابری نظری که حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی می‌تواند به آن دست یابد. حقوق اقتصادی شامل انواع مختلفی است که هر کدام در بخش مربوط به خود به شرح زیر مورد بحث قرار خواهند گرفت:

الف. حق مالکیت: در حالی که قانون اساسی عراق در ماده (۲۳) بند یک، حق مالکیت را مقرر می‌دارد: اولاً مالکیت خصوصی حمایت می‌شود و مالک حق دارد در حدود قانون از آن منتفع، بهره‌برداری و تصرف کند؛ ثانیاً: اموال را نمی‌توان مصادره کرد، مگر برای اهداف عمومی در مقابل غرامت عادلانه و این به موجب قانون تنظیم شده است: عراقی حق مالکیت در هر نقطه از عراق را ندارد دیگری ممکن است مالکیت اموال غیر منقول داشته باشد، مگر آنچه توسط قانون B که مالکیت را برای اهداف تغییر جمعیت ممنوع می‌کند، مستثنا شده است (محمود مصطفی، ۲۰۱۲: ۲۳)

ب. حق تجارت و صنعت: مانند حق مالکیت، مفهوم آزادی تجارت و صنعت توسعه یافته است و برخی از قوانین اساسی این آزادی را به رسمیت شناخته و نقش بخش خصوصی را در این زمینه به رسمیت شناخته‌اند. قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ در شرح وظایف داستان در راستای حقوق عامه که مقرر می‌دارد دولت آزادی جابه‌جایی کالاها و سرمایه‌های عراق را بین مناطق و استان‌ها تضمین می‌کند و این امر توسط قانون تنظیم می‌شود و ماده ۲۵ تصریح می‌کند که دولت اصلاحات اقتصاد عراق را تضمین می‌کند. بر اساس مبانی اقتصادی مدرن، اطمینان از سرمایه‌گذاری کامل منابع، تنوع بخشیدن به منابع آن و تشویق و توسعه بخش خصوصی.

در ماده ۲۶ آن آمده است: «دولت تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف را تضمین می‌کند و این امر توسط قانون تنظیم می‌شود، بنابراین قانون اساسی عراق حق تجارت و صنعت را برای افراد تضمین کرده است.» همان‌طور که فلسفه فردی آزادی تجارت و صنعت را به‌عنوان آزادی افراد در فعالیت اقتصادی بدون دخالت دولت تعریف می‌کند، زیرا فعالیت اقتصادی طبیعی و مشمول آزادی است و خواستار تنظیم تجارت و صنعت است. محدودیت‌های شدیدی بر آن اعمال شد، اما پس از ظهور اندیشه‌های کمونیستی و تئوری‌های مداخله، روند فرقه به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. فردگرایی برای آزادسازی آزادی‌های اقتصادی (سعیده، ۲۰۱۰: ۱۷).

ج. حق کار کردن: هر فردی حق کار دارد و حق کار یکی از مهم‌ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی برای تضمین سطح مناسب زندگی است. یکی از حقوق اقتصادی است، چراکه فرد را از نظر مالی و اقتصادی تأمین می‌کند و به دلیل ارتباط تنگاتنگ با جامعه یکی از حقوق اجتماعی است و حق کار به معنای حق مشارکت است تولید و خدمت به فعالیت‌های جامعه بشری. حق مشارکت در مزایا برای کسانی که استاندارد زندگی مناسب را تضمین می‌کنند، تضمین می‌کند که هیچ فردی از زندگی اقتصادی کنار گذاشته نمی‌شود.

اولاً: قانون اساسی عراق در بیانیه نخست خود تصریح می‌کند که قانون اساسی عراق در بیانیه اول خود به آن اشاره کرده است: «کار یک حق است.» برای همه عراقی‌ها به‌گونه‌ای که زندگی مناسب را برای آن‌ها تضمین کند.

ثانیاً: «قانون با در نظر گرفتن قواعد عدالت اجتماعی، روابط کارگر و کارفرما را بر مبنای اقتصادی تنظیم می‌کند».

ثالثاً: «دولت حق تأسیس یا عضویت در اتحادیه‌ها و فدراسیون‌های امنیتی را تضمین می‌کند و این موضوع را قانون تنظیم کارفرمایان و کارگران باشد به قانون مراجعه می‌کند.»

۷-۳. حقوق اجتماعی

حقوق شهروندان عراقی و نداشتن اساسی‌ترین نیازهای زندگی آن‌ها را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

الف. حق آموزش: حق تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین حقوق تلقی می‌شود و تمامی ادیان الهی و حتی قوانین بر تأمین آن تأکید کرده‌اند و درجه سازماندهی را به تفصیل بیان می‌کنند و به حق آموزش و پرورش ابعاد توسعه‌ای می‌دهند از جمله اجباری بودن آن. در حق خود و همچنین در مراحل اولیه که رکن اساسی توسعه پایدار است، تصور هیچ سطحی از پیشرفت و رنسانس در هیچ تمدنی غیرممکن است، مگر اینکه از قبل اعلام شده باشد و به این خراج نادیده گرفته شده باشد نه تنها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه در عرصه سیاسی نیز با موفقیت همراه است (الحسینی، ۲۰۱۴: ۱۱۵).

حق آموزش یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی است و پیامدهای گسترده‌ای برای سایر حقوق بشر دارد، صلح و ثبات در سراسر جهان، در نتیجه، ابزاری ضروری برای تضمین مشارکت در ساختن جوامع و اقتصاد است که محتوای آموزشی و اساسی است که باید شامل دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد باشد. نیاز به زنده ماندن و توسعه کامل توانایی‌های خود به گونه‌ای است که او را واجد شرایط زندگی و کار شرافتمندانه کند که تحت تأثیر جهانی شدن سریع در پرتو توسعه در زمینه ارتباطات و فناوری و همچنین محتوای آموزشی و اساسی است که باید شامل دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که یک فرد برای بقا به آن نیاز دارد و توسعه توانایی‌های کامل خود به گونه‌ای که او را واجد شرایط زندگی و کار شرافتمندانه کند که تحت تأثیر جهانی شدن سریع با توجه به توسعه در زمینه ارتباطات و فناوری و همچنین محتوای آموزشی و اساسی است که باید شامل دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که یک فرد به آن نیاز دارد تا بتواند زنده بماند و توانایی‌های کامل خود را به گونه‌ای توسعه دهد که او را واجد شرایط زندگی کند. همان‌طور که در قانون اساسی سال ۲۰۰۵ عراق در مورد حق آموزش تصریح شده است: اول، «آموزش و پرورش» یک عامل اساسی برای پیشرفت جامعه و حقی است که توسط دولت تضمین شده است و دولت آن را تضمین می‌کند مبارزه با بی‌سوادی؛ دوم، آموزش رایگان برای همه مردم عراق؛ سوم، دولت تحقیقات علمی را برای اهداف صلح‌آمیز تشویق می‌کند (الاستاذ عبدالامیر، ۲۰۲۳: ۱۲)، این امر موجب تعالی و خلاقیت می‌شود؛ چهارم، آموزش خصوصی و خصوصی توسط قانون تضمین و تنظیم شده است پیشرفت اجتماعی و حق تضمین شده توسط دولت، تصمیم گرفت آموزش

اجباری در مرحله ابتدایی و دو طرف آن در مرحله ابتدایی و در همه مراحل، بند سوم به نحو شایسته‌ای به مبارزه با بی‌سوادی برسد. همان‌طور که دولت را ترغیب کرد تا تحقیقات علمی را برای اهداف صلح‌آمیز در خدمت بشریت تشویق کند، مشروط بر اینکه قانون آموزش خصوصی و همچنین آموزش اجتماعی را تنظیم کند نهادها مشروط بر اینکه این قانون آن را تنظیم کند. یکی از موضوعاتی که جزو مصادیق حقوق عامه است و نباید مورد غفلت قرار گیرد بحث توجه به امر مهم آموزش و به موازات آن تربیت و تزکیه برای پرورش جوانان شایسته است و این مسئله بسیار حائز اهمیت است.

ب. حق برخورداری از حمایت اجتماعی: منظور ما از تأمین اجتماعی مجموعه کلی اقداماتی است که توسط دولت انجام می‌شود تا اطمینان حاصل شود که افراد درآمد کافی برای تضمین زندگی مناسب برای آن‌ها دریافت می‌کنند، زیرا قانون اساسی قبلی، از جمله قانون اساسی ۱۹۶۴، تأکید می‌کرد که دولت خدمات تأمین اجتماعی و عراقی‌ها را تضمین می‌کند. حق مساعدت در دوران پیری، بیماری، فقر و بیکاری، اصل ۱۰ قانون اساسی سال ۱۹۷۰ که همبستگی اجتماعی را تأیید می‌کرد، اولین پایه و اساس جامعه تلقی می‌شود به‌طور کامل، همان‌طور که نظام اجتماعی که قانون اساسی بر اساس آن پایه‌گذاری شد، قرار بود نظام سوسیالیستی را بر پایه‌های علمی و انقلابی استقرار دهد و آن جامعه حقوق و آزادی‌های کامل شهروند را تضمین کند و همچنین نظام اجتماعی که قانون اساسی بر اساس آن بنا شده بود، باید باشد. با این حال، نظام سوسیالیستی را بر پایه‌های علمی و انقلابی پایه‌گذاری کرد (عصمت‌المجید، ۲۰۲۳: ۲۷).

ج. حقوق سلامت: بسیاری از معاهدات بین‌المللی حق بشر بر سلامت را به‌عنوان یک حق اساسی به رسمیت می‌شناسند، با سطح درآمد کافی برای تأمین امنیت او و خانواده‌اش همان‌طور که در بند ۱۱ ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است که شامل غذا، پوشاک، سرپناه، درمان و خدمات اجتماعی نیز می‌شود. همان‌طور که در انسانیت و زندگی خود را نشان می‌دهد، حق بر سلامتی ارتباط تنگاتنگی با تحقق سایر حقوق بشر دارد و به آن وابسته است، این حق یکی از ضروریات برخورداری از حقوق اولیه بشر به شمار می‌رود، از جمله حق غذا، پوشاک، آموزش و کرامت، مطابق با نهاد بین‌المللی حقوق بشر به‌منظور برخورداری از سایر حقوق بشر در حوزه سلامت، از طریق انواع رویکردهای یکپارچه مانند تدوین سیاست‌های بهداشتی و اجرای برنامه سلامت تحت دستور توسط سازمان بهداشت جهانی یا اتخاذ ابزارهای قانونی خاص (الاستاذ فارس، ۱۹۸۷: ۱۹).

قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ بر تضمین هرگونه تضمینی برای سلامت شهروندان عراقی، همان‌طور که در ماده ۳۱ آمده است، تأکید کرده است. هر عراقی حق دارد از مراقبت‌های بهداشتی برخوردار شود و دولت به سلامت عمومی اهمیت می‌دهد. راه‌های پیشگیری و درمان با ایجاد انواع بیمارستان‌ها و مؤسسات بهداشتی تضمین می‌شود و امنیت یکی از مهم‌ترین حقوق شهروند عراقی به

شمار می‌رود که به صراحت در قانون اساسی سال ۲۰۰۵ عراق لازم‌الاجرا در ماده ۳۰ تصریح شده است (عبدالباقی البکری، ۲۰۲۲: ۳۵). همچنین «دولت امنیت اجتماعی و بهداشتی را برای عراقی‌ها در صورت پیری، بیماری یا ناتوانی تضمین می‌کند...» بنابراین مقرر شده است که حق بیمه سلامت و حق سلامت به‌طورکلی با حق حیات و حق عدالت اجتماعی از طریق ارائه ابزارهای پیشگیری و درمان برای اقشار اجتماعی که بیش از دیگران در معرض خطرات آسیب‌پذیر بیماری و عوارض آن هستند، پیوند خورده است (عبد الوفا، ۲۰۰۲: ۱۳).

۷-۴. حقوق سیاسی

حقوق سیاسی را اختیاراتی هستند که به یک فرد در یک کشور خاص به‌عنوان شهروند این کشور اعطا می‌شود و توسط شاخه‌های حقوق عمومی تعیین می‌شود و از طریق آن‌ها می‌تواند در رویه‌های خاصی شرکت کند که به او امکان می‌دهد در اداره امور جامعه مشارکت کند، مانند حق رأی، حق نامزدی و تصدی مناصب دولتی که حق دولت بر شهروند برای خدمت به کشورش است، زیرا هدف حقوق سیاسی دفاع از منافع سیاسی دولت است.

تنها به شهروندان محدود می‌شود و شامل خارجی‌ها نمی‌شود، زیرا تابعیت یک پیوند سیاسی است که فرد را به یک کشور خاص پیوند می‌دهد و او را از سایر شهروندان کشورهای مختلف جدا می‌کند، ملیت ملاک برقراری این نوع حقوق است. قانون‌گذار عراقی حق مشارکت در امور عمومی و حقوق ناشی از آن را به صراحت تصریح کرده است: «شهروندان و مردان و زنان، حق مشارکت در امور عمومی و برخورداری از حقوق سیاسی از جمله حق رأی، انتخاب و نامزد شدن را دارند» حقوق سیاسی مندرج در قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ در حال حاضر با چالش‌های فعلی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بزرگی مواجه است (الاسدی، ۲۰۱۸: ۲۲).

نتیجه‌گیری

طبق قرارداد اجتماعی روسو، در حالت طبیعی، شخص در ازای تفویض بخشی از آزادی طبیعی خویش به اراده عام که مأمور اجرای تمام امور زندگی است، آزادی اجتماعی خود را به دست می‌آورد که نظم عمومی، امنیت عمومی و... در آن نهفته است. چون ابنای بشر در حالت طبیعی مواجه با خطرات شدیدی بودند و به‌تنهایی قادر به غلبه بر آن‌ها نبودند، بنابراین با تشریک مساعی، امکان تشکیل دولت را فراهم کردند و از اینجا، تکالیف ملت در مقابل دولت مطرح می‌شود؛ از جمله این تکالیف، احترام به نظم عمومی، رعایت اخلاق حسنه و مراعات قانون است و دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم و بر اساس قانون، به نمایندگی از جامعه (به‌طور کل)، نه تک‌تک افراد (به‌طور جزء)، مسئول حفظ آن‌هاست. بر اساس این، پیگیری و تعقیب حیثیت عمومی جرم و به تعبیری حفظ حقوق عمومی بر عهده دادستان است. از سوی

دیگر، حقوق شهروندی، حقوقی است که ملت به طور فطری دارد و دولت مکلف به رعایت آن‌هاست. حقوق عامه در تفسیری نادرست از آیین دادرسی کیفری و فلسفه وجودی آن، در رویه قضائی حاکم بر دادسراها و محاکم کیفری، به معنای حق جامعه بر امنیت و آسایش شهروندان که حقی جمعی است، به کار رفته است (مرادف با حقوق عمومی!). ولی قانون اساسی این اصطلاح را به معنای موسعی اعم از حقوق فردی و جمعی به کار می‌برد. بنابراین میان تفسیر از مفهوم حقوق عامه در آیین دادرسی کیفری و حقیقت آن در قانون اساسی، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. قدر جامع چهار مفهوم حقوق عامه در فقه امامیه نیز حق انتفاعی است که در امور مادی نظیر اموال عمومی و امور غیرمادی نظیر امنیت عمومی برای عموم مسلمین به رسمیت شناخته شده است و شارع راضی به اهمال و سستی یا تسامح در آن نیست و به دلیل فقدان متولی خاص، حاکم مسلمین موظف به پاسداری و صیانت از آن بر اساس مصلحت عمومی است و تک‌تک مسلمانان نیز حق دارند مدعی احقاق و مانع از تضییع آن شوند.

خلطی که در قوانین عادی و رویه قضائی ایران (برخلاف قانون اساسی و فقه امامیه) صورت گرفته، این است که دادستان خود را بر اساس ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مسئول حفظ حقوق عامه (در کنار حفظ حقوق عمومی) نیز می‌داند (که البته تا اینجا درست است)؛ اما گزاره دیگری هم وجود دارد و آن اینکه «دادستان خود را تنها مرجع حفظ حقوق عامه می‌داند!». این واژه «تنها»، ایجاد اشکالات زیادی در حقوق، سیاست و اقتصاد ایران کرده است. برای مثال، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)ها، احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌ها، دسته‌ها، خبرنگاران و مردم، کم‌رنگ شده و صرفاً در حد «گزارشگر جرم»، قدرت و اختیار پیگیری حقوق عامه را دارند؛ درحالی‌که این حقوق، به خاطر عدم تعهد به صلاحیت‌های دستگاه‌های حکومتی یا سوءاستفاده از صلاحیت‌ها برای منافع شخصی و گروهی، معمولاً فوت می‌شوند و ضروری است به مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حقوق عامه اجازه داده شود، نه صرفاً به‌عنوان گزارشگر جرم، بلکه به‌عنوان شاکی، به‌طور مستقیم تعدی و تجاوز به حقوق عامه را نزد مراجع قضائی پیگیری کنند.

متأسفانه با وجود نهادهای متعدد از جمله نهاد دادستانی، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور، شاهد ضعف نهادهای رسمی در احیای حقوق عامه هستیم و نبود توجه و اهتمام نظام قضائی برای بهره‌گیری از ساختارهای غیررسمی (غیردولتی) برای پیگیری مستقیم جرائم مرتبط با حقوق عامه، بسی جای تأمل دارد! به‌ویژه آنکه با بررسی دقیق مصادیق حقوق عامه در قانون اساسی، اطلاق حقوق شهروندی بر آن، درست‌تر به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، مفهوم حقوق عامه مطرح در قانون اساسی، با قدر جامع تعاریف چهارگانه این اصطلاح در فقه مطابقت دارد. نتیجه اینکه انحصاری شدن حفظ حقوق عامه در اختیار دادستان، زمینه‌ساز فساد شده است. در عمل، به دلیل حجم زیاد پرونده‌های مرتبط با حقوق عمومی (حقوق حاکمیت بر ملت) و کمبود نیرو در دادسراها و ضعف جدی در نظام هنجاری و

ساختاری قوه قضائیه، دادستان فرصت و اراده کافی برای تعقیب جرائم و تجاوزها به حقوق عامه یا همان حقوق شهروندی را ندارد و نتیجه آن، تبدیل فساد به اژدهای هفت‌سر (بنا به تعبیر رهبر انقلاب) بوده است.



فهرست منابع

- افشاری، فاطمه (۱۴۰۰). «موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال ۱۰، شماره ۳۳.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۴۰۲). «چالش‌های اساسی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۴، شماره ۱.
- سرداری، داور؛ سلیمانی، ایران و سرداری، عوض (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات دادستان در حقوق ایران با حقوق فرانسه»، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران با رویکرد فرهنگ مشارکتی، تهران: خانه فرهنگ مشارکتی ایران.
- قاسمی، غلامعلی، مجبی، داود و شجاعی، عبدالسعید (۱۴۰۱). «تحلیل نهادهای حقوقی حقوق عامه و حقوق جمعی از منظر اندیشمندان اسلامی و غرب»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۳.
- کبگانی، محمدحسین؛ منصوریان، مصطفی و افشاری، فاطمه (۱۴۰۲). «اکاوی مفهومی «احیای حقوق عامه» با مطالعه تطبیقی دعاوی منفعت عمومی». پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۲.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه سازمانی دادستان در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۱.
- ملکوتی، مجتبی وبرزگرزاده، عباس (۱۴۰۱). «اصول کلی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۲، شماره ۳.
- موسی‌زاده، ابراهیم؛ نصراللهی نصرآباد، علیرضا و منصوریان، مصطفی (۱۴۰۲). «کاربست نظریه احیای حقوق عامه در دادرسی اداری (مطالعه آرای مؤسسان اساسی)»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- میرحسینی، سید محسن؛ شفیعی علویجه، مجتبی و عمادزاده، محمدکاظم (۱۴۰۲). «اکاوی چالش‌های صیانت از حقوق شهروندی در ایران؛ مطالعه موردی نهاد قوه قضائیه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، شماره ۲۱، سال سوم.
- ابراهیم مصطفی واخرون، (۲۰۲۱). المعجم الوسیط، جلد ۱-۲، مطبعة مصر.
- احمد عبدالوفا، (۲۰۰۲) التعلیق علی نصوص قانون المرافعات، ط ۹، شركة الجلال للطباعة.
- الاستاذ عبدالامیر، العکیلی (۲۰۲۳). حربة شرح قانون اصول محاكمات الجزائية. بغداد مکتبة السنهوری.
- الاستاذ فارس، الخوری، (۱۹۸۷). اصول المحاکمات الحقوقية، ط ۲، دار العربية للنشر والتوزیع، الاردنف.
- الاسدی، آ (۲۰۱۸). دور الادعاء العام فی حماية المال العام در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عام، دانشگاه بصره.
- الحسینی، فارق (۲۰۱۴). دور الادعاء العام فی القضاء الدولي الجنائي، در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عام دانشگاه کربلا.
- سعیده، باری (۲۰۱۰). سلطة النيابة العامة فی الدعوى العمومية، در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانشگاه الاخوه منتوری، قسنطینه.
- عبدالباقی البکری، محمد (۲۰۲۲). المدخل لدراسة القانون، بغداد: دارالکتب للطباعة والنشر.
- عصمت عبدالمجید، بکر، (۲۰۲۳). الاحکام القانونية لرعاية القاصرين. بی‌نا.

محمدظاهر، معروف (۱۹۷۲). المبادئ الأدلة في اصول الاجراءات الجنائية، بغداد: دارالطبع و النشر الاهليه.
محمودمصطفى، محمود (۲۰۱۲). شرح قانون الاجراءات الجنائية، قاهره: دارمطابع الشعب.

References

- Banda, Maria. "Inter-American Court of Human Rights' Advisory Opinion on the Environment and Human Rights." *American Society of international Law:Insights* 22, no. 6 (2023): 1-6.
- Bonnitcha, Jonathan and Robert McCorquodale. "The Concept of Due Diligence in the UN Guiding Principles on Business and Human Rights." *European Journal of International Law* 28, no. 3 (2017): 899-919.
- Bouwer, Kim. "The Unsexy Future of Climate Change Litigation." *Journal of Environmental Law* 30, no. 3 (2019): 1-24.
- Committee on the Rights of the Child. —Decision adopted by the Committee on the Rights of the Child under the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure in respect of Communication No. 108/2019. (2022): 1-15.
- Yoshida, Keina, and Joana Setzer. "The Trends and Challenges of Climate Change Litigation and Human Rights." *European Human Rights Law Review* 2020, no. 2 (2023): 140-152.

Persian Sources

- Afshari, Fatemeh, (1400) Obstacles to the revival of public rights in Iranian law and strategies for its desired realization, *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, Year 10, Issue 33.
- Rahiminejad, Ismail (1402). 'Basic Challenges of Crime Prevention Law in Iran, *Criminal Law Research Journal*, Volume 14, Issue 1.
- Sardari Davar; Iran Soleimani and Awaz Sardari (2010) Comparative Study of Duties and Powers of the Prosecutor in Iranian Law with French Law, *Fifth National Conference on Modern Research in the Field of Humanities and Social Studies of Iran with a Participatory Culture Approach*, Tehran, House of Participatory Culture of Iran.
- Ghasemi, Gholamali, Mohebbi, Davud, Shojaei, Abdolsaeed (1401). 'Analysis of Legal Institutions of Public Law and Collective Law from the Perspective of Islamic and Western Scholars, *Comparative Research of Islamic and Western Law*, Volume 9, Issue 3.
- Kabagani, Mohammad Hassan, Mansourian, Mustafa, Afshari, Fatemeh (1402). Conceptual analysis of "revival of public rights" with a comparative study of public interest lawsuits. *Islamic Law Research Journal*, Volume 24, Issue 2.
- Koushki, Gholamhossein (2010). Investigation of the organizational position of the prosecutor in the criminal procedure of Iran and France. *Legal Research Quarterly*, Volume 13, Issue 2, Issue 1.
- Malkouti, Mojtaba, Barzegarzadeh, Abbas (2010). 'General principles of human rights and

- humanitarian law in the judicial procedure of the International Court of Justice, Quarterly Journal of Public Law Studies, University of Tehran, Volume 52, Issue 3.
- Mosizadeh, Ebrahim, Nasrollahi Nasrabad, Alireza, Mansourian, Mustafa. 2010. Application of the theory of revival of public rights in administrative proceedings (study of the opinions of the founding fathers), Legal Journal of Justice, Volume 87, Issue 123.
- Mirhosseini, Seyed Mohsen, Shafiee Alavijeh, Mojtaba Emadzadeh, Mohammad Kazem (1402). Examining the challenges of protecting citizenship rights in Iran; A case study of the Judiciary Institution', Tehran University Public Law Studies Quarterly, No. 21, third year.
- Ebrahim Mustafa Vakhroon, (2021). Al-Ma'jam al-Wasit, vol. 1, Misr Press.
- Ebrahim Mustafa Vakhroon, (2022). Al-Ma'jam al-Wasit, vol. 2, Misr Press.
- Ahmed Abdulwafa, (2002) Commenting on the texts of the Law of Arbitration, Vol. 9, Al-Jalal Printing Company.
- Professor Abdul Amir, Al-Akili (2023). Harba description of the principles of criminal trials. Baghdad Maktab Al-Sunhuri.
- Al-Estaz Fars, Al Khoury, (1987). Usul al-Muhamakamat al-Haqjuyyah, Vol. 2, Dar al-Arabiya for publication and distribution, Al-Ardenf.
- Al-Asadi, A (2018). Public prosecution round in the protection of public property in the public law master's degree, Basra University.
- Al-Husseini, Faruk (2014). Public Prosecutor's Office in Al-Qadali Al-Dawli Criminal Court, in the Master's Degree in Public Law of Karbala University.
- Saeeda, Bari (2010). Jurisdiction of the Public Prosecution in Public Litigation, in the Master's Degree in Criminal Law and Criminology at Al-Akhwah Menturi University, Constantine.
- Abdulbaqi al-Bakri, Muhammad (2022). Introduction to the Study of Law. Dar al-Kutub for printing and publishing, Baghdad.
- Esmat Abdul Majid, Bakr, (2023). Legal provisions for the care of minors.
- Mohammad Zahir, Ma'rouf (1972). Al-Mabadi al-Idlah fi Usul Al-Ajarat al-Jana'i, Baghdad, Dar al-Tabb and Al-Nashar al-Ahliyyah.
- Mahmoud Mostafi, Mahmoud (2012). Commentary on the Criminal Procedure Code, Cairo, Darm Tahab Al Shaab.